

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه بر یافته‌های

محوطه‌های تدفینی در جنوب غرب آسیا

سمانه نظیف^۱، حامد وحدتی‌نسب^{۲*}، کورش محمدخانی^۳

(دریافت ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴)

چکیده

امروزه برخی پژوهشگران بر این باورند که در یک ساختار مادرسالار، جانشینی ارثی در یک خطِ مادرتباری ردیابی می‌شود. محل سکونت، مادرمکانی است و همهٔ موارد ضروری در دست زنان است.^۱ ولی ما امروزه در جوامعی با ساختار پدرسالار و مردم‌محور زندگی می‌کنیم. برخی از پژوهشگران فمینیست بر این باورند که اگر جامعهٔ مادرسالاری در پیش از تاریخ وجود داشته باشد، چه‌بسا بتوان به پایان یافتن ساختار پدرسالار امروزی نیز امیدوار بود.^۲ برای جست‌وجوی زنان، چگونگی زیست و جایگاه آنان در گذشته، می‌توان از مواد و انباشته‌های گوناگونی همچون داده‌های اسکلتی و کالاهای گور بهره برد. با کمک پژوهش‌هایی دربارهٔ خاک‌سپاری زنان و چگونگی آن در یک محوطهٔ تدفینی و با کمک یافته‌های گورها، می‌توان

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

<https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۳-۰۸۶۹-۶۲۶۰>

۲. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)

*vahdati@modares.ac.ir

<https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۲-۹۶۵۱-۵۸۷۱>

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

<https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۲-۹۱۸۶-۱۸۶۳>

انگاره‌هایی برای بود یا نبود یک ساختار مدارسالار در آن جامعه ارائه کرد. در این نوشته با کمک پژوهش‌های کتابخانه‌ای پیشینه‌ای کوتاه از پدیداری انگاره جوامع مدارسالار و برخی ویژگی‌های آن می‌گوییم. سپس با روشی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌مندی از پژوهش‌های میدانی انجام‌شده به بیان تفسیرهای برآمده از یافته‌ها در برخی از محوطه‌های تدفینی در جنوب غرب آسیا می‌پردازیم. دریافت‌ها نشان از آن دارد که نباید تنها یک نوع ساختار برای همه جوامع پیش از تاریخ این پهنه در نظر گرفت، و از سویی با همه پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه، هنوز یافته‌های محکم و قطعی درباره حضور جوامع مدارسالار در گستره پیش از تاریخ جنوب غرب آسیا وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: جوامع مدارسالار، خاک‌سپاری، پیش از تاریخ، جنوب غرب آسیا، باستان‌شناسی.

مقدمه

نگره وجود جوامع مدارسالار در پیش از تاریخ، یکی از موضوعات مهم برای برخی از پژوهشگران فمینیست بوده است. پژوهش‌های زیادی برپایه مواد و یافته‌های گوناگون در رشته‌ها و زمینه‌های مختلفی همچون باستان‌شناسی انجام شده است تا وجود ساختار مدارسالار در جوامع پیش از تاریخ اثبات یا رد شود. اگر جامعه مدارسالاری در پیش از تاریخ و یا دست‌کم در بازه زمانی‌ای در گستره تاریخ وجود داشته باشد، بنابراین جوامع پدرسالار که تا به امروز به عنوان ساختار اجتماعی اصلی باقی مانده‌اند می‌توانند پیامد رخدادهای گوناگون و دگرگونی در باورها، ارزش‌ها، دین و سنن جوامع بوده باشند.

یکی از شناخته‌شده‌ترین بیانی‌ها در این زمینه، کتاب *خلق پدرسالاری*^۳ از گردا لرنر است. او ساخت پدرسالاری را در پیوند با رشد دیگر نابرابری‌ها برپایه جنسیت، نژاد، قومیت و طبقه می‌داند. او استدلال می‌کند که جایگاه زنان به تدریج در میان‌رودان بدتر

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

شد، زیرا دولت‌ها جایگاه‌های زیردست و درجه دوم را برای زنان در سیستم‌های حقوقی تدوین کردند (Lerner, ۱۹۸۶, as cited in Teppo, ۲۰۰۵, p. ۲۲). ولی همان‌گونه که دنیز کاندیوتی^۲، جامعه‌شناس از کالج ریچموند در بریتانیا اشاره کرده است، پدرسالاری دارای انواع گوناگونی نیز است. برای نمونه، پدرسالاری سه نسل اسلام و بسیاری از بخش‌های آسیای جنوبی، شرقی و خاورمیانه، برای زنان بسیار سرکوب‌کننده‌تر از پدرسالاری‌های آزادانه‌تر است که می‌توان در برخی از جوامع چندهمسری آفریقایی یافت، جایی که زنان قدرت چانه‌زنی و مذاکره بسیار بیشتری دارند (Adovasio et al., ۲۰۰۷, pp. ۲۷۱-۲۷۲). در این نوشتار در جست‌وجوی پاسخ برای این پرسش‌ها هستیم که چه جوامعی را می‌توانیم مادرسالار بنامیم و این جوامع چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟ همچنین، داده‌های اسکلتی و کالاهای گور در محوطه‌های باستانی چگونه ما را در یافتن و شناسایی جوامع و ساختارهای مادرسالار راهنمایی می‌کنند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

شواهد چگونگی زندگی زنان پیش از ما، در یافته‌های گوناگون در محوطه‌های باستانی گنجانده شده است. یکی از آشکارترین و روشن‌ترین آن‌ها، خاک‌سپاری‌ها و کالاهای گور است. خاک‌سپاری‌ها و کالاهای گور همراه با آن‌ها، می‌تواند سرنخ سودمندی از ساختار اجتماعی هر جامعه به دست دهد. برای نمونه، محوطه‌هایی که شیوه‌ها، مراسم و آیین‌های خاک‌سپاری ویژه‌ای دارند، معمولاً ساختار سلسله‌مراتبی داشته‌اند. از سویی با تجزیه و تحلیل بقایای استخوانی، گاهی می‌توان به ناهنجاری‌های برآمده از فعالیت‌های کاری و فشار شغلی پی برد. هنگامی که مواد اسکلتی را بتوان به گونه‌ای قابل اعتماد تعیین جنس کرد، می‌توان بار کاری و حتی فعالیت‌های خاص کاری را با مردان و زنان

ارتباط داد و اگر بتوان بقایای استخوانی را تاریخ‌گذاری روشن و درستی کرد، چه‌بسا بتوان تغییرات در تقسیم جنسیتی کار را در درازای یک دوره زمانی شناسایی کرد و به دنبال آن، به تغییر جایگاه زنان و مردان در خانواده و اجتماع پی برد و سرانجام شاید به نتایجی دست یافت که بتوان آن جامعه را به‌عنوان یک جامعه مادرسالار یا پدرسالار تفسیر کرد. چه‌بسا شناسایی جامعه‌ای مادرسالار یا حتی جامعه‌ای که زنان از جایگاه اجتماعی بالاتری در تناسب با جایگاه امروزی‌شان برخوردار بوده‌اند، برای پایان‌دادن پدرسالاری یا کاستن ساختار مردمدارانه در بسیاری از اجزای جوامع امروزی و همچنین بهبود جایگاه اجتماعی زنان و افزایش آگاهی درباره توانایی‌هایشان یاری‌رسان باشد.

روش پژوهش

در این نوشتار برپایه پژوهش‌های کتابخانه‌ای و با روشی توصیفی - تحلیلی، پیشینه و برخی ویژگی‌های جوامع مادرسالار را بازگو می‌کنیم. سپس با تکیه بر پژوهش‌های میدانی انجام‌شده و تفسیرهای برآمده از یافته‌ها از برخی محوطه‌های تدفینی در جنوب غرب آسیا به جست‌وجوی جوامع مادرسالار در گستره پیش از تاریخ می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

بیش از ۱۵۰ سال از زمانی که یوهان یاکوب باکوفن^۵، پیشگام پژوهش‌های سستی مادرسالاری اثر خود *حق مادری* (Das Mutterrecht, ۱۸۶۱) را منتشر کرد، می‌گذرد. این پیشنهاد را که جوامع مادرسالار پیش از سلطه مردان وجود داشته است نخستین‌بار باکوفن برپایه بقایای باستان‌شناسی پیکره‌های زنانه که او آن‌ها را الهه‌ها در نظر گرفته بود، و به‌ویژه برپایه اسطوره‌های کلاسیک، که در آن برخی از زنان دارای قدرت

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

چشمگیری بودند و تبار آن‌ها گاه مادرتباری بود، ارائه کرد. لوئیس هنری مورگان^۶، انسان‌شناس آمریکایی و نویسنده کتاب *جامعه باستان*^۷ از نخستین پژوهشگرانی بود که پژوهش‌های فراوانی دربارهٔ بسیاری از مردم بومی آمریکای شمالی انجام داد. وی دریافت در میان برخی از این مردم، برای نمونه در بین ایروکوئیزها^۸، زنان از جایگاه بسیار بالاتری در سنجش با زنان جامعهٔ خودش برخوردار بودند و بر بخش‌های گوناگون اقتصاد مسلط بودند. آن‌ها نقش برجسته‌ای در کنش‌های آیینی و سیاسی داشتند و تبار، بیشتر از زن (مادرتباری) انگاشته می‌شد. استدلال‌های مورگان را فردریش انگلس^۹ در کتاب *ریشه‌های خانواده، مالکیت خصوصی و دولت*^{۱۰} بازگو کرده است. انگارهٔ وی این بود که نخست، زنان دارایی‌های اشتراکی خانواده را کنترل می‌کردند، هنگامی که کشاورزی شناسانده شد، مردان ابزارهای کشاورزی به‌ویژه گاواهن‌ها و جانوران اهلی را به‌کار گرفتند و صاحب آن‌ها شدند. بنابراین مردان، نخستین جنس با دارایی خصوصی شدند (Ehrenberg, ۱۹۸۹, pp. ۶۳-۶۴).

ماریا گیمبوتاس، میمی لوبل، گردا لرنر، سیلی رنتمایستر^{۱۱} و برخی دیگر، در جست‌وجوی خود برای جوامع مادرسالار، به‌ویژه بر گذار از دورهٔ پارینه‌سنگی جدید به نوسنگی و در برخی پهنه‌ها، دورهٔ نخستین مفرغ، تمرکز کردند. آن‌ها بر این نظر بودند که ساختار مادرسالاری را می‌توان از چند ویژگی همچون پرستش بدن زن، نظم غیرسلسله‌مراتبی و صلح‌طلبی شناسایی کرد (Lobell, ۱۹۸۹, as cited in Kuhlmann, ۲۰۱۳, p. ۵۱). از نشانه‌های فرهنگ مادرسالاری، پرستش الهه‌ها، یعنی پیکره‌های کوچک زنانهٔ یافته‌شده در خانه‌ها، زیارتگاه‌ها، خاک‌سپاری‌ها و انبارهای غلات بود که در تضاد با تندیس‌های بزرگ‌تر دین‌های پدرسالار سپسین بودند (Gimbutas, ۱۹۹۸, ۲۰۱۳, p. ۵۱). p. ۲۲۲, as cited in Kuhlmann, ۲۰۱۳, p. ۵۱). برای این زنان پژوهشگر، یکی دیگر

از نشانه‌های فرهنگ‌های مادرسالار دوره‌های طولانی صلح بود. در هنر و معماری محوطه‌هایی که متعلق به فرهنگ مادرسالاری تفسیر می‌شوند، نشانه‌هایی از جنگ‌ها، سلاح‌ها، دژها، تصویر نبردها یا خاک‌سپاری جنگجویان مرده وجود ندارد (Kuhlmann, ۲۰۱۳, pp. ۵۱-۵۲).

برای برخی از نظریه‌پردازان فمینیست نگاره‌های بی‌شماری مانند ماریچ‌ها، هزاردالان‌ها، نشانه‌های ماهی و مار، اجاق‌ها، آتشدان‌ها، هلال ماه، و شاخ‌های نعمت^{۱۲} که در چاتال‌هویوک^{۱۳} یافته شده‌اند، جالب بوده و آن‌ها این نگاره‌ها را به‌سان نمادهای آشکارا زنانه تفسیر کرده‌اند. می‌توان گفت کمابیش هر چیزی به‌سان نمادی از الهه تفسیر شده است. برای نمونه، گیمبوتاس بر این نظر بود که بر بیشتر مهرهای اروپای باستان، خط‌های موازی یا نقش‌های زیگزاگی حک شده است که او آن‌ها را به‌سان نمادهای الهه می‌دید. راجر پولاک^{۱۴} ادعا کرد که کهن‌ترین شیء که با دقت نشان‌گذاری شده است، دندۀ یک گاو از فرانسه، به درازای کمابیش ۱۵ سانتی‌متر و با حدود ۲۰۰.۰۰۰ تا ۳۰۰.۰۰۰ سال سن است که با «یک جفت خط موازی منحنی» مشخص شده است؛ دقیقاً همان نگاره‌ای که سپس‌تر در هنر الهه پدیدار می‌شود (این خط‌ها را تنها در زیر میکروسکوپ می‌توان دید). پولاک نیز بر این باور بود که نگاره‌های جهانی الهه مانند صلیب و ماریچ، وجود دارند (Eller, ۲۰۰۱, pp. ۱۱۹-۱۲۱, as cited in Kuhlmann, ۲۰۱۳, p. ۵۸).

تعریف‌های نوین و به‌سامان از مادرسالاری، مستقل از یکدیگر، با هایده‌گوتر - آبندروث (۲۰۱۲، آغاز ۱۹۸۸)، پگی ریوز ساندی^{۱۵} (۲۰۰۲)، باربارا مان^{۱۶} (۲۰۰۰)، و ژنو وان^{۱۷} (۱۹۹۷) که اقتصاد هدیه را تعریف کرد، آغاز شد (Göttner-Abendroth, ۲۰۲۲b). گوتر - آبندروث می‌نویسد: دیدگاه مادرسالاری برخاسته از جنبش مدرن زنان است و فراتر از همه فمینیسم‌های گوناگون غربی است که گرایش دارند اسیر اندیشه اروپایی/

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران غربی بمانند. پژوهش‌های نوین مادرسالارانه به ساختار کلی جامعه، زنان و مردان، پیر و جوان، طبیعت انسانی و غیرانسانی می‌پردازد و به جهان غرب محدود نیست، بلکه با جوامع غیرپدرسالار در هر قاره درگیر است (Göttner-Abendroth, ۲۰۱۲, p. xix,xx).

ویژگی‌های جوامع مادرسالار

جوامع مادرسالار، جوامعی برپایهٔ خاندان هستند. افراد در گروه‌های خویشاوندی بزرگ با هم زندگی می‌کنند و از مادرتباری پیروی می‌کنند که همان خویشاوندی برپایهٔ خط مادری است. نام خاندان و همهٔ سربلندی‌ها و سرافرازی‌های اجتماعی و عناوین سیاسی از مادران به ارث می‌رسد. یک خاندان متشکل از دست‌کم سه نسل از زنان به‌همراه مردانی است که به‌گونهٔ مستقیم با هم خویشاوند هستند و همه با هم در خانهٔ بزرگ خاندان زندگی می‌کنند. شمار افراد می‌تواند از ده تا صد نفر باشد. زنان همیشه در آنجا زندگی می‌کنند و هرگز خانهٔ مادری خود را ترک نمی‌کنند، در حالی که همسران تنها در زمان شب می‌مانند. این کاربرد واژه، «بازدید - ازدواج» نامیده می‌شود که از شیوهٔ مادرمکانی می‌آید. هایدی گوتنر - آبندروث، مادرسالاری‌ها را به‌عنوان جوامع غیرسلسله‌مراتبی و افقی از خویشاوندی مادرتبار تعریف می‌کند.

خانهٔ خاندان مادری فراهم‌کنندهٔ امنیت اقتصادی و اجتماعی است و یکی از دلایلی است که زنان هرگز از آن دور نمی‌شوند. این امنیت به زنان آزادی انتخاب شریک زندگی را می‌دهد. در اینجا زنان به یک مرد به‌سان تأمین‌کننده وابسته نیستند (که در خانوادهٔ هسته‌ای پدرسالار چنین است). از همین‌روی، زنان زمان جدا شدن از شریک زندگی خود نباید از تهیدستی با فرزندان خود یا از دست دادن خانهٔ خود بترسند. در جوامع مادرسالار، هر جنسیتی حوزهٔ عمل خود، همچنین وظایف و مسئولیت‌های ویژهٔ خود را دارد. نابرابری و ناهمخوانی وجود ندارد و تقسیم وظایف برپایهٔ اصل ترازمندی

است، به گونه‌ای که نمی‌تواند سبب قدرت بر دیگران شود. حتی باور به مقدس بودن زنان نیز در این ترازمندی شکافی پدید نمی‌آورد. چرا که هدف، زنان به گونه‌ای کلی به‌ویژه زنان سال‌خورده یا «مادرسالاران» هستند که هر یک از آن‌ها تناسخ اجداد به‌شمار می‌آیند و خاستگاه خون و جامعه هستند (Merlini, ۲۰۱۸, pp. ۱۳-۱۴).

بحث و بررسی

پژوهش‌های باستان‌شناسانه بقایای خاک‌سپاری می‌توانند بینش ارزشمند و پرمایه‌ای از جوامع گذشته به ما ارائه دهند. پژوهش‌های باستان‌زیست‌شناسی درباره بدن نقش چشمگیری در باستان‌شناسی جنسیت دارند، چراکه بدن انسان دربردارنده سراسرترین شواهد درباره افراد است (Larsen, ۲۰۰۲, as cited in Sofaer, ۲۰۱۳, p. ۲۲۶). معمولاً نخستین مرحله تجزیه و تحلیل در پژوهش‌های باستان‌زیست‌شناسی جنسیت، بخش‌بندی اسکلت‌ها به دو گروه زن و مرد برپایه شناسایی جنس است. میزان دوریختی جنسی در بین جمعیت‌ها ناهمسان است، ولی امکان ارزیابی جنس برپایه مشخصات ریخت‌شناسی اسکلت، به‌ویژه لگن و جمجمه وجود دارد (Mays, ۲۰۱۰, as cited in Sofaer, ۲۰۱۳, p. ۲۲۸). جنبه‌ای از زیست‌شناسی اسکلتی است که از نظر فرهنگی تحت تاثیر قرار گرفته است؛ مانند بیماری، نشانگرهای اسکلتی عضلانی، یا رژیم غذایی در پیوند با جنس. در این روش، جنس به‌سان محور اصلی یا نقطه مرجع برای تفسیرها عمل می‌کند و جنسیت عملاً به‌گونه مستقیم روی جنس ترسیم می‌شود.

برخی از باستان‌زیست‌شناسان اشاره کرده‌اند که (در حالی که لزوماً امکان پیوند بین جنس و جنسیت را از بین نمی‌برد) در یک تقسیم پیشینی که مرد و زن را پیش‌فرض می‌گیرد، جنس مهم‌ترین محور تحلیلی است. آن‌ها به‌جای آن استدلال می‌کنند که

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

باستان‌شناسان باید اهمیت نسبی جنسیت برای جوامع گوناگون را با کندوکاو الگوهای داده‌های خاص بررسی کنند تا ببینند چگونه آن‌ها با جنس ارتباط دارند. برای نمونه، پوکی استخوان (از دست دادن مواد معدنی استخوان) بیشتر با زنان مسن‌تر و یائسه همراه بوده است (Sofaer, ۲۰۱۳, p. ۲۲۹).

سن یک فرد در هنگام مرگ را می‌توان با پژوهش ویژگی‌های گوناگون اندامی، همچون میزان هم‌جوشی برخی استخوان‌ها به‌ویژه جمجمه، لگن و استخوان‌های بلند، و از میزان فرسایش یا سایش دندان‌ها برآورد کرد. سنجش الگوهای مرگ و میر زنان با مردان شاید ناهمسانی در مراقبت از هر یک از افراد در هنگام بیماری، ناهمسانی در سلامتی ناشی از کمبودهای تغذیه‌ای، و دربارهٔ کودکان؛ ناهمسانی‌های احتمالی در درمان دختران و پسران را نشان دهد. برای نمونه، اگر شکار کردن یا مبارزه کردن آسیب‌هایی مانند شکستگی، زخم‌های پیکان یا خنجر روی استخوان‌ها برجای می‌گذارند، این آسیب‌ها با فرکانس‌های گوناگونی بر زنان و مردان تأثیر می‌گذارد. یا بیماری‌هایی مانند آرتروز که به‌آسانی در استخوان‌ها قابل شناسایی هستند، اگر افراد به‌گونه‌ای منظم کارهای متفاوتی را انجام دهند، ممکن است به‌گونهٔ ناهمسانی بر زنان و مردان تأثیر داشته باشد. از سویی میزان بروز فعالیت‌های گوناگون در میان جوامع گوناگون یا بین زنان و مردان و همچنین میزان افراد متخصص در صنایع در یک جامعه را می‌توان شناسایی کرد. اگرچه این روش به‌روشنی پتانسیل زیادی برای بررسی ناهمسانی‌ها در نقش‌های جنسیتی دارد و شاید بتوانیم برخی از انواع آرتروز را به فعالیت‌های ویژه‌ای مرتبط کنیم، ولی بسیاری از فعالیت‌ها می‌توانند به ایجاد الگوهای فشار همسانی بینجامند (Ehrenberg, ۱۹۸۹, pp. ۲۵-۲۷).

نگرش‌ها به مراقبت از کودکان خردسال و نوزادان بیشتر در مرگ‌ومیر آن‌ها بازتاب یافته است. در جوامعی که یک جنس مهم‌تر یا ارزشمندتر در نظر گرفته شده است، رفتار آگاهانه یا ناآگاهانه پدر و مادر ممکن است بر میزان مرگ نوزاد دختر یا پسر تأثیر بگذارد. اگر برای نمونه دختران از ارزش بالاتری برخوردار بودند، تولد نوزاد دختر ممکن است به بی‌توجهی به یک برادر بزرگ‌تر انجامیده باشد و گاهی حتی به مرگ او. اگر این رفتار در یک جامعه منظم باشد، انتظار داریم که بیش از دختران، اسکلت پسران را در گورستان بیابیم، ولی باید این موضوع را نیز در نظر گرفت که اگر نوزادان دختر مرده، آن اندازه از جایگاه پایینی برخوردار باشند که اصلاً در گورستان به خاک سپرده نشده باشند، الگوی همانندی ممکن است رخ دهد! در موارد شدید ترجیح یک جنس نسبت به جنس دیگر، شاید کودک‌کشی ترجیحی را پدید آورد؛ این ممکن است در گورستان یا در شمار خاک‌سپاری‌های نوزادان یک جنس یا در شمار غیرطبیعی بزرگسالان یک جنس نسبت به جنس دیگر نمود پیدا کند. باوجوداین، باید هوشیار بود و دیگر گمانه‌ها را نیز در نظر گرفت: برای نمونه، مرگ در خارج از خانه ممکن است در یک جنس بیشتر از جنس دیگر رایج باشد، یا شاید مراسم خاک‌سپاری زنان و مردان ناهمسان بوده باشد (Ehrenberg, ۱۹۸۹, pp. ۲۷).

در بسیاری از جوامع پیش از تاریخ رسم بر این بود که کالاهای گور را با همه یا برخی از مردگان به خاک بسپارند. شاید با کمک این داده‌ها بتوان تصویری کمابیش روشن از دست‌ساخته‌های در پیوند با هر جنس و مقدار نسبی کالاهای مناسب برای خاک‌سپاری زنان و مردان به‌دست آورد و بنابراین انگاره‌هایی درباره‌ی دارایی و جایگاه افراد گوناگون و زنان در سنجش با مردان ارائه داد. با این وجود امکان اشتباه‌هایی در به‌کارگیری این شیوه وجود دارد که می‌بایست از آن‌ها آگاه بود و دوری کرد.

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

پنداشت‌هایی بر این پایه که کالاهای گور از آن فرد مرده بوده و در درازای زندگی فرد به کار گرفته می‌شده است، باید با دیگر داده‌ها تأیید شود، چراکه شاید این کالاها از آن سوگواران یا خویشاوندان و به سان هدایایی باشد که به فرد مرده پیشکش شده است و یا شاید کالاها بازتاب‌دهنده وضعیت سرپرست خانوار یا خانواده، به جای خود فرد مرده باشد.

رسم، آیین یا مد ممکن است انواع کالاهای گور را که برای گروه‌های گوناگونی از مردم مناسب است، حکم کند. گرچه شاید کالاها در پیوند با نقش‌ها و موقعیت‌های زندگی باشد، ولی به گمان بسیار زیاد بازتاب‌دهنده هدف‌ها و آرزوهای کاملاً متفاوتی برای زندگی در یک دنیای پس از مرگ است، یا چه بسا تلاش سوگواران برای انتقال تصویری آگاهانه نادرست از فرد مرده و جایگاه او به تماشاگران در مراسم خاک‌سپاری یا به ارواح یا خدایان زندگی پس از مرگ باشد. ولی درمجموع بیشتر باستان‌شناسان علاقه‌مندند که تفسیرهای خود را برپایه شمار بیشتر نمونه‌های قوم‌نگاری که در آن‌ها پیوندی هرچند ناچیز بین کالاهای گور و زندگی فرد مرده وجود دارد، استوار کنند (Ehrenberg, ۱۹۸۹, p. ۲۹).

جست‌وجوی جوامع مادرسالار برپایه یافته‌های گورها

با در نظر گرفتن غنای شواهد خاک‌سپاری در پیش از تاریخ آسیای جنوب غربی، جای شگفتی است که پژوهش‌های دقیق کمی درباره جنبه‌های جنسیتی شده مراسم خاک‌سپاری انجام شده است. چرایی این موضوع تا اندازه‌ای کمبود مواد اسکلتی به‌خوبی حفظ‌شده و به‌گونه‌ای قابل اعتماد تعیین جنس‌شده، از بسیاری از کاوش‌های پیشین است و همچنین نشان‌دهنده اولویت کم‌تر پژوهش‌های جنسیت برای باستان‌شناسان شاغل در این پهنه است (Bolger and Wright, ۲۰۱۳, p. ۳۷۸).

محوطه باستانی تل ابوحریره^{۱۸} در سوریه، بازه زمانی از فراپارینه سنگی (کمابیش ۱۱.۵۰۰-۱۰.۰۰۰ پیش از امروز) تا مرحله‌های نخستین دوره نوسنگی با سفال (کمابیش ۷۰۰۰ سال پیش از امروز) را دربر می‌گیرد. در کاوش‌های دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بقایای ۱۶۲ نفر به دست آمد که ۱۰۲ نفر از آن‌ها وابسته به دوره فراپارینه‌سنگی و آغاز دوره نوسنگی بودند (Bolger, ۲۰۱۰, p. ۵۰۹). تیا مولسون^{۱۹} (۱۹۹۴, ۱۹۸۹) با بررسی اسکلت‌ها دریافت که اسکلت‌های زنان دارای تغییرات مفصل متاتارسال - فالانژ^{۲۰} (استخوان‌های کف پا/ بند انگشت) و تغییرات دژنراتیو^{۲۱} (تحلیل‌برنده) در کناره‌های مفصل‌ها در نخستین متاتارسال افراد مسن‌تر هستند (Sofaer, ۲۰۱۳, p. ۲۳۲). به گفته مولسون، این الگو را می‌توان به‌عنوان پیامد یک فعالیت مانند آسیاب کردن دانه‌ها با آسیاب دستی، که بسیاری از آن‌ها در خانه‌های کاوش‌شده در محوطه یافته شده، توضیح داد. از آنجا که بیشتر متاتارسال‌های بدین‌گونه، وابسته به اسکلت‌های زنان بالغ بودند، مولسون کارهای فرآوری همچون آسیاب دانه را کار خانگی زنان دانست. از سویی یافته‌های جین پیترسون بسیار ناهمسان با نظرات مولسون بود. پیترسون پژوهش گسترده‌ای درباره فشار اسکلتی عضلانی بقایای انسانی شماری از محوطه‌های جنوب لوانت در بازه زمانی ۱۲.۵۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش از امروز، انجام داد. روی هم‌رفته ۱۵۸ اسکلت از چهارده محوطه بررسی شد (Bolger, ۲۰۱۰, pp. ۵۱۰-۵۱۱). پیترسون دریافت که درمجموع الگوهای فعالیت زنان در درازای زمان پایدارتر هستند، در حالی که الگوهای فعالیت مردان سازماندهی مجدد اساسی‌تری را تجربه می‌کنند. به‌واریون مولسون که تقسیم کار پیوسته و شدیدی را در درازای دوره‌های پارینه‌سنگی و نوسنگی پیشنهاد می‌کند، پیترسون تغییرات چشمگیری را در ماهیت کار زنان و (به‌ویژه) مردان در درازای زمان می‌بیند (Peterson, ۲۰۰۶, pp. ۵۵۰, ۵۵۱, as cited in

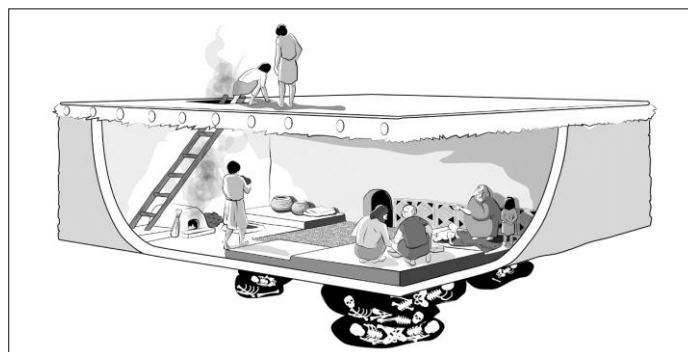
جست‌وجوی جوامع مادر سالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

(Bolger, ۲۰۱۰, p. ۵۱۱). نظر وی بر آن است که هیچ مدرک محکمی برای پشتیبانی از انگاره زن کشاورز برای تولید فراآورده‌های اولیه در منطقه یا تقسیم کار مبتنی بر جنسیت که چشمگیر باشد وجود ندارد. تنها در دوره نخستین مفرغ، زمانی که نشانه‌هایی از کاهش چشمگیر میزان کار مردان در سنجش با زنان وجود داشته، شواهدی بسنده وجود دارد که پیدایش نقش‌های جداگانه برای مردان و زنان را نشان می‌دهد (Peterson, ۲۰۰۲, p. ۱۴۵, as cited in Bolger, ۲۰۱۰, p. ۵۱۱).

کویجت^{۲۲} استدلال می‌کند که به کار بستنِ روش‌های جدید خاک‌سپاری همچون؛ تدفین ثانویه، پنهان‌سازی جمجمه، و پنهان‌سازی استخوان‌های حیوانات و مجسمه‌های شبیه انسان، به پیدایش و حفظ هویت جمعی کمک می‌کند. از نظر کویجت برخی رسم‌ها مانند فرم‌دهی به سر، گچ مالیدن و نقاشی کردن جمجمه، برداشتن جمجمه و پنهان‌سازی جمجمه، به نظر می‌رسد به گونه‌ای انتخابی برای برخی افراد و گروه‌ها به کار رفته است و نه برای کل جامعه. این برای نمودارسازی پیدایش نابرابری اجتماعی با نخستین شواهد روشن‌مند و به سامان مربوط به میانه نوسنگی پیش از سفال ب (کمابیش ۸۵۰۰ سال پیش از زمان کنونی) مهم است. این گرایش در فرجام نوسنگی پیش از سفال ب افزایش می‌یابد، دوره‌ای که با رهاکردن گسترده محوطه‌هایی که کویجت از آن‌ها به عنوان نمونه نخستین فرایندهای شکافت اجتماعی و پراکندگی جمعیت یاد می‌کند، پایان می‌یابد (Bolger, ۲۰۱۰, p. ۵۱۴).

در چاتال‌هویوک (۶۴۰۰-۷۵۰۰ پیش از میلاد) گمان بر این است که رسم خاک‌سپاری مردم در زیر کف ساختمان‌ها، اهمیت حافظه اجتماعی و نیاکان را برای ساخت هویت‌های اجتماعی نشان می‌دهد. این که زنان و مردان در چاتال‌هویوک به این روش خاک‌سپاری می‌شدند، هر دو جنس را با حوزه خانگی پیوند می‌دهد و نشان

بر



(Mellaart, ۱۹۶۷; cf. Hamilton, کاوش‌های ملاآرت در محوطه در تضاد است
۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ج. ۲۱۱، ص ۱۱۱-۱۱۲، ۲۰۱۳، ج. ۳۷۸).

شکل ۱: زندگی و مرگ در چاتال‌هویوک؛ بازسازی یک خانه معمولی (تصویر توسط کترین کیلاک)^{۳۳}؛ ۴۱۴: ۲۰۰۰ (Boz and Hager)

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

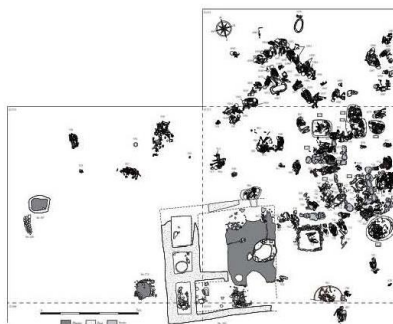


شکل ۲: یک خاک‌سپاری چندنفره در چاتال‌هویوک

(catalhoyuk.com/archive_reports/۲۰۰۵/ar۰۵_۲۵.html)

کاوش‌ها در محوطه‌های نوسنگی شمال لوانت، گورستان‌های واقعی را برای نخستین بار در این دوره نشان داده‌اند. در این زمینه، کاوش‌ها در تل الکرخ^{۲۴} (شمال غربی سوریه) گورستان نوسنگی با سفال در فضای باز را نشان داده است. از این گورستان بدون در نظر گرفتن سن و جنس، برای خاک‌سپاری استفاده می‌شده است. تا فصل کاوش در سال ۲۰۱۰، گورستان در لایه‌های ۶۴-، و در بین ۶۴۰۰-۶۲۰۰ پیش از میلاد تأیید شده است (شکل ۳). در این گورستان مردگان در مکان‌های گوناگونی دسته‌بندی و گروه‌بندی شده‌اند که نشان می‌دهد آن‌ها نماینده گروه‌های اجتماعی خانواده‌های ساکن در جامعه هستند. در این زمینه، پیشنهاد می‌شود که جامعه متشکل از چندین خانوار خویشاوندی بوده که با هم زندگی می‌کردند و منابع و محل دفن خود را به اشتراک می‌گذاشتند. بنابراین، افراد در تل الکرخ در میان افرادی که با آن‌ها منابع غذایی مشترک داشتند، به خاک سپرده شده‌اند که گمان می‌رود اعضای خانواده بوده‌اند. به سخن دیگر، زمین گورستان بین گروه‌هایی تقسیم می‌شد و بخش‌هایی برای گروه ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شد. این ممکن است نشان‌دهنده یک نگرش و باور تازه در پیوند با مفهوم مالکیت زمین در دوره نوسنگی با سفال باشد. به گمان بسیار، اعضای خانواده در تل الکرخ یک سیستم اجتماعی پدید آوردند که مدیریت جامعه را آسان‌تر می‌کرد و وحدت اجتماعی را بین

اعضای آن حفظ می‌کرد. این سیستم به افزایش هم‌بستگی اجتماعی بین اعضای جامعه می‌انجامید (Jammo and Tsuneki, ۲۰۲۰, p. ۱۷۱, ۱۷۶).



شکل ۳: نمای کلی گورستان نوسنگی تل الکرخ تا فصل ۲۰۱۰
(Jammo, and Tsuneki, ۲۰۲۰, p. ۱۸۱)

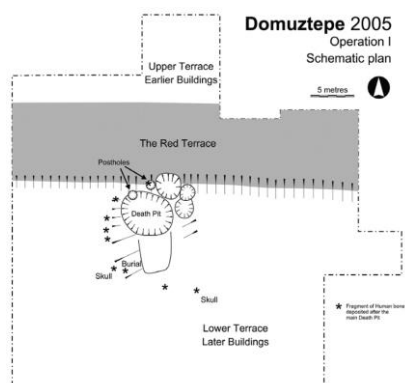
فرهنگ حلف^{۲۵} در بازه زمانی ۶۱۰۰ تا ۵۱۰۰ پیش از میلاد، در شمال میان‌رودان و سوریه پدید آمد. یکی از روستاهای فرهنگ حلف محوطه یاریم تپه^{۲۶} در کوه سنجار^{۲۷} است. در حالی که بیشتر خاک‌سپاری‌های داخل سکونتگاه‌ها از آن نوزادان و نوجوانان بود، در گورستان یاریم تپه یک، کمابیش همه بزرگسالان بودند که نشان می‌دهد با مرده‌ها برپایه سنشان رفتار ناهمسانی صورت می‌گرفت، ولی همچنین به نظر می‌رسد که این ناهمسانی در رفتار، سخت و تعمیم‌یافته نبوده است، زیرا برخی افراد بزرگسال نیز بدون هیچ ویژگی متمایزی در سکونتگاه‌ها به خاک سپرده شده بودند. در میان خاک‌سپاری‌ها در سکونتگاه یاریم تپه دو، انواع گوناگونی از خاک‌سپاری وجود دارد؛ از گودال‌های ساده گرفته تا گودال‌های پیچیده که نوعی اتاق تدفین را تشکیل می‌دهند و همچنین شیوه‌های گوناگون تدفین، از خاک‌سپاری گرفته تا سوزاندن و تدفین جمجمه، و در هر یک از این موارد افراد از گروه‌های سنی گوناگون، بیشتر نوجوانان و همچنین بزرگسالان نیز وجود دارند. افزون‌براین، سوزاندن و تدفین جمجمه در بخش ویژه‌ای از محوطه متمرکز شده است. این جدایی در محوطه گورستان، همراه با وجود برخی

جست‌وجوی جوامع مادر سالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

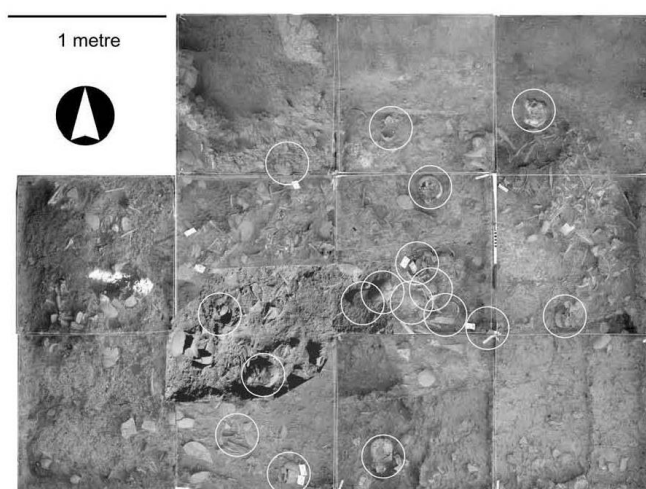
کالاها، توسط فلانری^{۲۸} به سان شواهد احتمالی خاک‌سپاری «فرزندان خانواده‌های عالی‌رتبه» تفسیر شده است (۱۹۹۹, p. ۵۲). با این حال، با در نظر گرفتن همه شواهد دیگر، می‌توان چنین پنداشت که شاید آیین‌ها و آداب و رسوم گوناگون تدفین بدان‌روی باشد که فرد مرده عضوی از یک خاندان یا گروه خویشاوندی متفاوت، با ریشه‌ها و سنت‌های گوناگون بوده است، ولی اکنون همه بخشی از خانواده بزرگ فرهنگی حلف هستند (Frangipane, ۲۰۰۷, pp. ۱۵۵, ۱۶۲).

ناهمسانی‌های چشمگیری از ثروت و جایگاه را نمی‌توان حتی در پیشکشی‌های تدفین که در خاک‌سپاری‌های حلف به‌طور کلی محدود یا حتی به‌کلی غایب هستند، و همچنین بین انواع گوناگونی از خاک‌سپاری‌ها و آیین‌ها، دید (Oates, ۱۹۷۸, as cited in Frangipane, ۲۰۰۷, p. ۱۶۳). به نظر می‌رسد که جامعه حلف، در مجموع جامعه‌ای برابر بوده است که پیامد ادغام سنت‌های قدیمی متفاوت در منطقه جزیره^{۲۹} سوریه - عراق است که توسط جوامع گوناگون و چه‌بسا از ریشه‌های گوناگون پدید آمده است (Frangipane, ۲۰۰۷, p. ۱۶۳).

محوطه دیگری که به نظر می‌رسد ناهمسانی‌های جنسیتی در بافت تدفینی تأثیر چندانی بر ساخت هویت‌های اجتماعی نداشته، محوطه اواخر دوره نوسنگی دوموزتپه^{۳۰} در جنوب شرقی آناتولی (۶۵۰۰ - ۵۵۰۰ پیش از میلاد) است. در اینجا کاوش یک سازه بزرگ تدفینی معروف به چاله مرگ، بقایای بیش از چهل نفر را آشکار کرده که بدن‌های آن‌ها پیش از انباشت در چاله به همراه بقایای جانوران بی‌شماری، جدا شده و تکه‌تکه شده بود (Bolger, ۲۰۱۰, p. ۵۱۵). در پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده، هیچ الگوی جنسیتی مشخصی آشکار نشده است. افراد از هر دو جنس و با سن‌های گوناگون در میان مردگان بودند و ناهمسانی‌های چشمگیر و برجسته‌ای در جای‌گیری یا توزیع بقایای مردان و زنان دیده نشده است (شکل‌های ۳ و ۴, Croucher, ۲۰۰۸, as cited in Bolger, ۲۰۱۰, p. ۵۱۵).



شکل ۴: طرح شماتیک دوموزتپه، گودال مرگ
(Campbell, ۲۰۰۸, p. ۱۲۶)



شکل ۵: گودال مرگ در دوموزتپه که بقایای انسان به شدت تکه‌تکه‌شده را نشان می‌دهد.
(Campbell, ۲۰۰۸, p. ۱۲۸)

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

در جنوب، کهن‌ترین گورها (دورهٔ عبید^{۳۱}) بر هماهنگی و هم‌بستگی جامعه تأکید دارند. این خاک‌سپاری‌ها کمابیش یکدست و به هم پیوسته هستند و تنها موارد غیرهمسان خاک‌سپاری کودکان و رفتار سلیقه‌ای با افراد مسن‌تر است؛ از تفاوت‌های درک‌شده می‌توان شماری از دست‌ساخته‌های مسی و درمان بقایای اسکلتی را نام برد. تغییرات در شیوه‌های خاک‌سپاری در دوره‌های جم‌دت نصر^{۳۲} و دورهٔ سلسله‌های قدیم^{۳۳} در تضاد با همگنی و یکپارچگی جامعه در عبید است. محوطه‌های خاک‌سپاری در گورستان‌ها (خارج از محوطهٔ باستانی یا در بخش‌های استفاده‌نشدهٔ استقرارگاه)، خانه‌ها (هنوز مسکون)، پشته‌های زیاله‌ها و چاله‌ها قرار دارند. برخی از مقبره‌ها دربردارندهٔ چندین خاک‌سپاری بودند، در حالی‌که برخی دیگر دارای یک فرد بودند. دیدنی‌ترین خاک‌سپاری‌ها در این دوره از گورستانی در شهر اور^{۳۴} است که دربردارندهٔ ۲۰۰۰ گور است. چشمگیرترین، گورستان سلطنتی است؛ جایی‌که ناهمسانی‌های اساسی در دورهٔ سلسله‌های قدیم برپایهٔ هویت‌های اجتماعی مربوط به جنسیت، طبقه و سن بودند (Pollock, ۱۹۹۹, pp. ۱۹۶-۲۱۳, as cited in Bolger and Wright, ۲۰۱۳, p. ۳۸۴).

برآیند

پیکره‌هایی که نشانی از اندام‌های زنانه داشته‌اند، نقاشی‌ها و نقش‌برجسته‌های زنان، پرستش دین الهه، جوامع با ساختارهای اجتماعی برابری‌خواهانه و بدون نگره‌هایی از جنگ و خشونت و خون‌ریزی، همگی از ویژگی‌هایی هستند که برخی پژوهشگران با یافتن و دیدن آن‌ها در محوطه‌های باستانی، نخستین گمانشان وجود جامعهٔ مادرسالار بوده است.

از سویی داده‌های محوطه‌های تدفینی تا اندازه‌ای بازتاب‌دهندهٔ باورها و اندیشه‌های حاکم بر افراد یک جامعه هستند. ترجیح خاک‌سپاری یک جنس در محوطه، دفن در

بخش‌های مناسب‌تر محوطه، جهت‌گیری خاک‌سپاری‌ها، و همچنین یافته‌های استخوانی، می‌توانند داده‌های درخور نگرشی برای کندوکاو چگونگی ساختار یک جامعه فراهم کنند. با پژوهش در برخی محوطه‌های تدفینی جنوب غرب آسیا می‌توان دریافت که نمی‌توان تنها یک نسخه برای همه جوامع پیش از تاریخ این پهنه پیچید. همان‌گونه که در محوطه‌ای همچون چاتال‌هویوک، داده‌ها نشان از برابری جنسیتی دارد، ولی در محوطه‌ای همچون تل ابوحریه در سوریه، پژوهشگر داده‌های استخوانی نظر بر تقسیم جنسیتی کار و گره خوردن زنان با کارهای خانگی و چه‌بسا کاهش جایگاه اجتماعی آن‌ها دارد. هایدی گوتنر-آبندروث در انتقاد از ایان هادر^{۳۰} که وجود جامعه مادرسالار را در چاتال‌هویوک نمی‌پذیرد و بر برابری جنسیتی در آن جامعه را باور دارد، می‌نویسد: هادر با استدلال بر تازه‌ترین یافته‌ها، دقیقاً آنچه را که می‌کوشد رد کند، ثابت می‌کند: یک جامعه برابری‌گرای جنسیتی یعنی یک مادرسالاری. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد اگر اصل را بر برابری جنسیتی قرار دهیم، شاید بتوان با کمک برخی از یافته‌ها همچون یافته‌های گورها انگاره یک ساختار برابرگرای جنسیتی را در برخی جوامع پیش از تاریخی مطرح کنیم.

ولی درمجموع باید آگاه باشیم که برجسته‌ترین موضوع در زمینه پژوهش جوامع مادرسالار، آن است که هنوز هیچ مدرک باستان‌شناسی درباره آنچه که بتوان آن را مادرسالاری واقعی نامید، وجود ندارد. پیش‌تر اشاره شد که برپایه تعریف‌های نوین جامعه مادرسالار جامعه‌ای است که جانشینی ارثی در یک خط مادرتباری ردیابی می‌شود؛ محل سکونت، مادرمکانی است و همه موارد ضروری مانند؛ زمین، خانه، حیوانات و محصولات در دست زنان است؛ معمولاً به همراه رئیس خاندان یا مادرسالار. ولی باید درنظر داشت این‌که شخص خود را با روابط مادری یا پدری

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

همسو کند، نظم سیاسی ویژه‌ای پدید نمی‌آورد. نباید جوامع مادرتبار را با جوامع مادرسالار اشتباه گرفت. برای نمونه، امروزه در میان مردم قبیله هویی^{۳۶} مزارع از آن زنان است که از طریق خاندان مادری زن منتقل می‌شود. همچنین محصولات مزرعه نیز از آن زنان است و شوهر و پسرانش که در مزرعه کار می‌کنند به او تحویل می‌دهند. پس از ازدواج، شوهر وارد خانه زن می‌شود، خانه‌ای که حتی اگر مرد آن را برای زن ساخته باشد، مالک آن زن است و اگر ازدواج به‌نظر زن پایان یافته باشد او به‌سادگی وسایل شوهر را بیرون می‌گذارد و مرد به خانه یا روستای مادری‌اش بازمی‌گردد. این شیوه‌ای نو نیست، به آن مادرتباری و مادرمکانی گفته می‌شود، نه مادرسالاری. به‌نظر می‌رسد که اگر در دوره‌ای از تاریخ، زنان یا دست‌کم زنانی وجود داشته‌اند که دارای جایگاه بالاتری در سنجش با مردان بوده‌اند، نمی‌توان اطمینان داشت که آن‌ها بی‌گمان قدرت را در دست داشته‌اند و البته به همان اندازه، در بیشتر جوامع پیش از تاریخ، هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد مردان قدرت را در دست داشته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Göttner-Abendroth, ۲۰۲۲a
۲. q.v. Bahrani, ۲۰۰۱: ۱۶, ۱۷
۳. the creation of patriarchy
۴. Deniz Kandiyoti
۵. Johann Jakob Bachofen
۶. Lewis Henry Morgan
۷. *Ancient Society*, ۱۸۷۷
۸. Iroquois
۹. Friedrich Engels
۱۰. *The Origins of the Family, Private Property and the State*, ۱۸۸۴
۱۱. Cilly Rentmeister
۱۲. Cornucopia
۱۳. Çatalhöyük
۱۴. Racher Pollack

۱۵. Peggy Reeves Sanday
۱۶. Barbara Mann
۱۷. Genevieve Vaughan
۱۸. Tell Abu Hureyra
۱۹. Theya Molleson
۲۰. Metatarsal-Phalangeal
۲۱. Degenerative
۲۲. Ian Kuijt
۲۳. Kathryn Killackey
۲۴. Tell el-Kerkh
۲۵. Halaf
۲۶. Yarim Tepe
۲۷. Jebel Sinjar
۲۸. Kent Vaughn Flannery
۲۹. Jazira region
۳۰. Domuztepe
۳۱. Ubaid Period
۳۲. Jemdet Nasr
۳۳. Early Dynastic Period
۳۴. Ur
۳۵. Ian Hodder
۳۶. Hopi Tribe

منابع

- Adovasio, J. M., Soffer, O., & Page, J. (۲۰۰۷). *The invisible sex: uncovering the true roles of women in prehistory*. New York: HarperCollins.
- Bachofen, J.J. (۱۸۶۱). *Das Mutterrecht: eine Untersuchung über die Gynaikokratie der alten Welt nach ihrer religiösen und rechtlichen Natur*. Stuttgart: Kraus & Hoffmann.
- Bahrani, Z. (۲۰۰۱). *Women of Babylon: gender and representation in Mesopotamia*. Psychology Press.
- Bolger, D. (۲۰۱۰). The dynamics of gender in early agricultural societies of the Near East. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 35(۲), ۵۰۳-۵۳۱.
- Bolger, D., & Wright, R. P. (۲۰۱۳). Gender in southwest Asian prehistory. *A companion to gender prehistory*, ۳۷۲-۹۴.

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه... ————— سمانه نظیف و همکاران

- Boz, B., & Hager, L. D. (۲۰۰۰). Living above the dead: intramural burial practices at Çatalhöyük. *Humans and Landscapes of Çatalhöyük: Reports from the, 2008*, ۴۱۳-۴۴۰.
- Campbell, S. (۲۰۰۸). The dead and the living in Late Neolithic Mesopotamia. *The dead and the living in late Neolithic Mesopotamia*, ۱۲۵-۱۴۰.
- Croucher, K. (۲۰۰۸). Ambiguous genders? Alternative interpretations: a discussion of case studies from the Pre-Pottery Neolithic and Halaf periods. *Gender through Time in the Ancient near East*, ۲۱-۵۱.
- Ehrenberg, M. (۱۹۸۹). *Women in Prehistory*. Norman.
- Eller, C. (۲۰۰۱). *The Myth of Matriarchal Prehistory: Why an Invented Past Won't Give Women a Future*. Beacon Press.
- Engels, F. (۱۹۰۲). *The Origin of the Family, Private Property and the State*. Chicago: Charles H. Kerr & Company Cooperative.
- Flannery, K. V. (۱۹۹۹). Chiefdoms in the early Near East: why it's so hard to identify them. *The Iranian world: essays on Iranian art and archaeology presented to Ezat O. Negahban*, ۴۴-۶۳.
- Frangipane, M. (۲۰۰۷). Different types of egalitarian societies and the development of inequality in early Mesopotamia. *World Archaeology*, ۳۹(۲), ۱۵۱-۱۷۶.
- Gimbutas, M. (۱۹۹۸). *Die Zivilisation der Göttin: die Welt des alten Europa*. Zweitausendeins.
- Goettner-Abendroth, H. (۲۰۱۲). *Matriarchal societies: Studies on indigenous cultures across the globe*. Lang.
- Göttner-Abendroth, H. (۱۹۸۸). *Das Matriarchat/I Geschichte seiner Erforschung*. Kohlhammer.
- Hamilton, N. (۲۰۰۵). Social Aspects of Burial. *Inhabiting Çatalhöyük: Reports from the 1995-99 Seasons*, ۳۰۱-۳۰۶.
- Hodder, I. (۲۰۰۶). *Çatalhöyük, the leopard's tale: revealing the mysteries of Turkey's ancient" town"*. Thames & Hudson.
- Jammo, S., & Tsuneki, A. (۲۰۲۰). The outdoor communal Neolithic cemetery of Tell el-Kerkh, northwest Syria. In *Proceedings of the 11th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East* (Vol. ۲, pp. ۱۷۱-۸۲).
- Kandiyoti, D. (۱۹۸۸). Bargaining with patriarchy. *Gender & society*, 2(۳), ۲۷۴-۲۹۰.

- Kuhlmann, D. (۲۰۱۳). *Gender studies in architecture: space, power and difference*. Routledge.
- Kuijt, I. (۲۰۰۰a). Keeping the Peace. *Life in Neolithic Farming Communities*, ۱۳۷-۱۶۴.
- Kuijt, I. (۲۰۰۰b). Near Eastern Neolithic Research. *Life in Neolithic Farming Communities*, ۳۱۱-۳۲۲.
- Kuijt, I. (۲۰۰۰c). People and space in early agricultural villages: exploring daily lives, community size, and architecture in the Late Pre-Pottery Neolithic. *Journal of Anthropological Archaeology*, 19(۱), ۷۵-۱۰۲.
- Larsen, C. S. (۲۰۰۲). Bioarchaeology: the lives and lifestyles of past people. *Journal of Archaeological Research*, 10(۲), ۱۱۹-۱۶۶.
- Lerner, G. (۱۹۸۶). *The creation of patriarchy* (Vol. ۱). Women and History; V. ۱.
- Lobell, M. (۱۹۸۹). The Buried Treasure: Women's Ancient Architectural Heritage. *Architecture: A Place for Woman*. Ed. Ellen Perry Berkeley. Washington: Smithsonian Institution, ۱۳۹-۵۷.
- Mann, B. A., Hoffman, E. D., & Nelson, M. A. (۲۰۰۰). *Iroquoian women: The gantowisas* (Vol. ۴). Peter Lang.
- Mays, S. (۲۰۱۰). *The Archaeology of Human Bones*. Routledge.
- Mellaart, J. (۱۹۶۷). Çatal Hüyük: a neolithic town in Anatolia.
- Merlini, A. (۲۰۱۸). Matriarchal societies: their social, political, economic and cultural structure as the only solution in the destructive phase of patriarchy.
- Molleson, T. (۱۹۸۹). Seed preparation in the Mesolithic: the osteological evidence. *Antiquity*, 63(۲۳۹), ۳۵۶-۳۶۲.
- Molleson, T. (۱۹۹۴). The eloquent bones of Abu Hureyra. *Scientific American*, 271(۲), ۷۰-۷۵.
- Morgan, L. H. (۱۸۷۷). *Ancient Society*. Chicago: Charles H. Kerr And Company.
- Oates, J. (۱۹۷۸). Religion and ritual in sixth-millennium BC Mesopotamia. *World archaeology*, 10(۲), ۱۱۷-۱۲۴.
- Peterson, J. (۲۰۰۲). *Sexual revolutions: gender and labor at the dawn of agriculture* (Vol. ۴). Rowman Altamira.
- Peterson, J. (۲۰۰۶). Gender and early farming societies. *Handbook of Gender in Archaeology*, ۵۳۵-۷۰.
- Pollock, S. (۱۹۹۹). Mesopotamia: the Eden that never was. *Early Societies*.

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

- Sanday, P. R. (۲۰۰۲). *Women at the center: Life in a modern matriarchy*. Cornell University Press.
- Sofaer, J. R. (۲۰۱۳). Bioarchaeological Approaches to the Gendered Body. *A Companion to Gender Prehistory*, ۲۲۶-۲۴۳.
- Teppo, S. (۲۰۰۵). Women and their agency in the neo-assyrian empire. *Unpublished MA Thesis, University of Helsinki*.
- Vaughan, G. (۱۹۹۷). *For-giving: A feminist criticism of exchange* (Vol. ۵۳, No. ۵۴, p. ۱۲۳). Austin, TX: Plain View Press.

منابع اینترنتی

- Göttner-Abendroth, H., (۲۰۲۲a). (https://matriarchiv.ch/?page_id=۳۰&lang=en) [Access date: ۰۸.۰۱.۲۰۲۲]
- Göttner-Abendroth, H. (۲۰۲۲b). (https://matriarchiv.ch/?page_id=۱۹۹&lang=en) [Access date: ۰۸.۰۱.۲۰۲۲]
- https://www.catalhoyuk.com/archive_reports/۲۰۰۵/ar۰۵_۲۵.html

Searching for matriarchal societies in prehistory, relying on the findings of burial sites in Southwest Asia

Samaneh nazif^۱, Hamed Vahdati Nasab^{*۲}, Kourosh Mohammadkhani^۳

Received: ۲۳/۰۸/۲۰۲۲ Accepted: ۱۵/۰۳/۲۰۲۳

Abstract

Today, some scholars believe in which a matriarchal structure, hereditary succession is traced to a matrilineality line. The residence is matrilocal and all the essentials' items are in the hands of women. But today we live in societies with the patriarchal and androcentric structure. Some feminist scholars believe that if a matriarchy society existed in prehistory, it may be possible to hope for the end of today's patriarchal structure. Various materials and deposits such as skeletal data and grave goods can be used to search for women, their way of life and their status in the past. With the help of research on women's burial and how it is done in a burial site and with the help of the findings of the graves; hypotheses can be made as to the existence or absence of a matriarchal structure in that society. In this article, with the help of library research, we give a brief history of the emergence of the hypothesis of matriarchal societies and some of its features. Then, with a descriptive-analytical method and using field research

^۱ PHD Student Archaeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
<https://orcid.org/0000-0002-0869-6261>

^۲ Professor Department of Archaeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding)
vahdati@modares.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-9651-5871>

^۳ Assistant Professor Department of Archaeology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
<https://orcid.org/0000-0002-9186-1863>

جست‌وجوی جوامع مادرسالار در پیش از تاریخ، با تکیه..._____سمانه نظیف و همکاران

conducted, we express the interpretations obtained from the findings in some burial sites in Southwest Asia. The findings indicate that there should not consider just one form of structure for all prehistoric societies in this region, and on the other hand, with all the research done in this field, there is still no firm and conclusive findings about the existence of matriarchal societies in the prehistoric area of Southwest Asia.

Keywords: Matriarchal Societies; Burial; Prehistory; Southwest Asia; Archaeology.

